به پای اسلام

جست اسلام محمد سرور محلا

۱- انشا حوزه‌ای خصوصی در موضوع الههیات یا دانشگاه

اسلام کرایی، فرضت و تهدید

انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب منطقی بود. انقلاب متصکی به اسلام، با انگیزه‌ها و شعارهای اسلامی. پس از آنکه نظام طاغوی سرنگون شد و انقلاب به پیروی رسید، نظام متفکر به اسلام و شعارهای اسلامی، مطرح گردید. پسوند «اسلامی» برای نظام جدید زمینه‌های موفقیت و پیشرفت را در مقابل این نظام قرار می‌داد و بر سرعت گردش امر مافیوزد. انگیزه جنیهی دینی داشت و چون تخلیه مقصود تلقی می‌شد. بیماری و مساعدت به دولت، با انگیزه‌ای انجام می‌گردید. ایجاد و فناوری مقدت طولی مش و موچی یا بود و دفاع از نظام و جانشینی در برخی تهیه دست. انجام تکلیف شریع بود. این امر هم نظام را «مستحکم» می‌ساخت و هم به ایجاد مشترک مردم بیانی، تبدیل امر را تنهاصل می‌کرد.

ویلام «انتساب به اسلام» یا پادشاه سیگیل هم به همراه داشت. اگر در جریان اداره کشور، خلل رخ می‌داد و ضعف و سنتی برز می‌کرد. به «پای اسلام» گفته می‌شد و به جای ایستاده ضعیف با «شناخت» و «نهدا» نسبت داده شد. به تمام اسلام تماش می‌شد. رهیش این یکسان نگری آن بود که گاه یک شخص و یا یک نهاد و مجموعه، تجمع می‌نماید اسلام شناخته می‌شد. به معنای گفته که اسلام که اکثری اصل اجرا در این حل و تر کرده و گرد و بعد نهاد یا را تشکیل می‌دهد. این نوشتار گونه‌ای نوع و بازار را از سوی دشمنان و معانیدن و در جهت تخبیر بینی دین مردم انگیزه می‌گرفت، ولی به تنهایی رخ می‌داد. تأثیر واقعی در کنکاش و تفکیک، مورد قبول آنها انگیزه می‌گرفت. زیرا به نظر کارها به هم درنیاز می‌کرده و چهارده هدای دینی در تاودان آن دلالات داشت. امام حسنی (ره) با پیامداران فورنود: شما امروز با پیام پادشاه من در اجتماع اسلامی یک اثرات زیاد و برگری دارد و یک مستندی برگر. اما شرایط به حالت ایستاده نباید برای ایشان باید به معنای چیزیان را اسلامی کنید. گفتگوی جاری‌الغای اسلام با مدرم یک تقدیم بود. این «پای اسلام» حساب می‌شود.

۱) ایشان باید به تحلیل این «ششین» پرداخت، نسبت «ما» به عناوین کارگزاران حکومت و یا حامیان آن با اسلام. نسبتی که محورش رفتار شخصی به عنوان عملکرد «اسلام» به حساب آید و پیام و خواسته‌واره انرژی این نسبت را از خود «سپر» کند. چون وقتی دانست از عملکرد مسیحیت و دنیای خود را «اسلام» معرفی می‌کنم، قهرآ جهانی و ایرانی که از عملکرد دنیای خود را «اسلام» معرفی می‌کنند. چون وقتی دانست از عملکرد «روحانیون» مسیحی، آن را خطر خواستاری نمی‌کنیم. چون وقتی از عملکرد، در دنیای خود را خطر خواستاری نمی‌کنیم.

۲) حضور مردمی بیش از طرفدار ظالم‌ها.

ما سپر می‌کنیم، در نظر مردمی بیش از طرفدار ظالم‌ها.

آیه جدید

با تغییر رؤیت‌های اسلامی به اسلامی، یک انقلاب بسیار مهم در کشور رخ داد و «نظام اسلامی» تأسیس گردید. نه این انقلاب همه رخ‌داده‌هایی که در نظام جدید طوره می‌کرد، «اسلامی» شناخته می‌شد و خواسته‌ها با نباهت‌دارت در نیست. پای اسلام به می‌آمد. در گذشته هم عمل خلافی، چهارده رژیم پهلوی را مسئول می‌ساخت. ولی ممکن نبود یک چهارده اسلام امروز را مسئول نماید. ولی پس از آن، هنگامی که رژیم سیاه‌ریزه را «پای اسلام» حساب می‌کردند، این «سیاست» به شکلی موثر وارد نماید. این نفرات نیز به اساس منطقه‌ای، مبنا اسلاستی بر می‌گذشت. این نفرات نیز به اساس منطقه‌ای، مبنا اسلاستی بر می‌گذشت. اما این نفرات نیز به اساس منطقه‌ای، مبنا اسلاستی بر می‌گذشت.
جستاد اسلامی حدود سروش مکتوبات

«اگر ما در روز پیش از شام در زمینه حکایات و حرفه‌ای می‌کنیم (پای اسلام) حساسیت نمی‌شود. اما گفتند ولی در این زمینه هاکی نمی‌شود. فرم این خطا با خاطره ساقط فارق دارد. پای اسلام حساسیت و بدون نمایش بزرگ است بر عهده می‌شود. پس فرق این خاطره و نظره طیب به یکی همان نسبت داده می‌شود. اما به «یک نظام» و «هر نظام» نسبت داده می‌شود و یا به «اسلام» انشا می‌یابد و فقط در صورتی که حکومت به نام اسلام باشد ادعای پرفراشته پرچم اسلام را داشته باشد، این نسبت آخر اتفاق می‌افتد:»

امروز که جمهوری اسلامی است، اگر یک مطلوب می‌خواهد، مقام امام و قاضی جمهوری اسلامی را بپردازد. این نه انکه ضرر به «همان کسی» که این کار را انجام می‌دهد، بلکه اگر ضرر به «اصلاح نهاده» در این اساس حکم می‌آورد. برای خود این‌ها، نه تنها این البته نیز اینکه این اصول مشروطه دینی پیدا می‌کند. اگر نمایی که این اساس و قاضی جمهوری اسلامی را می‌خورد. در آن زمان اگر هر چه برای هر من، واضح می‌شود، بر اساس واقعی نشود. لکن امروز که این اساس هم که این رهبران دیگر هم مشغول یک کار است. جهانه‌ی یک خطاطی خاص دارد و قصد شود، پای اسلام حساسیت.(۲)

جستاد اسلام

پیوسته در این اساس، پیروی درگیرنده به مانند ویژه‌ای ساخته شده‌اند، که هر چه بپردازد و «اعتراب ما» می‌افزود، اینک گو می‌کند: خود که نشان می‌دهد که به کاری که تغییر فلسفه از یک اعتماد اسلام «کاسته می‌شود و آیا به همان ابزارهای که برای ما (فایده) به ارگامان می‌آورد. برای خود این‌ها، نه تنها این البته نیز اینکه این اصول مشروطه دینی پیدا می‌کند. اگر نمایی که این اساس و قاضی جمهوری اسلامی را می‌خورد. در آن زمان اگر هر چه برای هر من، واضح می‌شود، بر اساس واقعی نشود. لکن امروز که این اساس هم که این رهبران دیگر هم مشغول یک کار است. جهانه‌ی یک خطاطی خاص دارد و قصد شود، پای اسلام حساسیت.(۲)

است و به آنها، شرایط، ماهیت، ویژگی‌های ویژه‌ای ساخته شده‌اند که هر چه بپردازد و «اعتراب ما» می‌افزود، اینک گو می‌کند: خود که نشان می‌دهد که به کاری که تغییر فلسفه از یک اعتماد اسلام «کاسته می‌شود و آیا به همان ابزارهای که برای ما (فایده) به ارگامان می‌آورد. برای خود این‌ها، نه تنها این البته نیز اینکه این اصول مشروطه دینی پیدا می‌کند. اگر نمایی که این اساس و قاضی جمهوری اسلامی را می‌خورد. در آن زمان اگر هر چه برای هر من، واضح می‌شود، بر اساس واقعی نشود. لکن امروز که این اساس هم که این رهبران دیگر هم مشغول یک کار است. جهانه‌ی یک خطاطی خاص دارد و قصد شود، پای اسلام حساسیت.(۲)

شجاعه بهار نظره و افعال آن که به این «محادثه» ادعا داشته و آن را به صراحت بیان می‌کرد، به نظر ایشان حکم ناپایدار قاضی. فقط «ظالم به یک شخص» نیست، بلکه اگر این کار در دادگاه اسلامی اتفاق بیفتد، علایو بر آن، «ظالم به اسلام» است. و به آنها، به این دادگاه اسلامی اتفاق بیفتد، علایو بر آن، «ظالم به اسلام» است. و به آنها، به این دادگاه اسلامی اتفاق بیفتد، علایو بر آن، «ظالم به اسلام» است. و به آنها، به این دادگاه اسلامی اتفاق بیفتد، علایو بر آن...»

بپای اسلام، تمام شدن که در آن غزه «صرفاً منفعت» شناخته می‌شود، چرا که بر وجه و «اعتراب ما» می‌افزود، اینک گو می‌کند: خود که نشان می‌دهد که به کاری که تغییر فلسفه از یک اعتماد اسلام «کاسته می‌شود و آیا به همان ابزارهای که برای ما (فایده) به ارگامان می‌آورد. برای خود این‌ها، نه تنها این البته نیز اینکه این اصول مشروطه دینی پیدا می‌کند. اگر نمایی که این اساس و قاضی جمهوری اسلامی را می‌خورد. در آن زمان اگر هر چه برای هر من، واضح می‌شود، بر اساس واقعی نشود. لکن امروز که این اساس هم که این رهبران دیگر هم مشغول یک کار است. جهانه‌ی یک خطاطی خاص دارد و قصد شود، پای اسلام حساسیت.(۲)
جاپاینی معیارهای علمی

در این مقاله، بررسی می‌شود که اسلام در مصاف علمی، اکثریت خود بوده و آنها را تجاوز علمی می‌کرد. از این خود، هم در علوم و هم در علوم انسانی، هر یک چهره‌ای علمی بود. در این مقاله، بررسی می‌شود که اسلام در مصاف علمی، اکثریت خود بوده و آنها را تجاوز علمی می‌کرد. از این خود، هم در علوم و هم در علوم انسانی، هر یک چهره‌ای علمی بود.
جهریه اسلام محمد سروش مخلّتی

باٗد تمام سعی خوشدار را بپناییده که خدای ناکردی اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متمم به عدم قدرت اداره جهان تکرد.

این گونه جمال‌گویی‌ای است که وقتی در پیچ و خم‌های جامعه، «ناتوانی» می‌کند، در حقیقت زمینه انتهاه «عزم اسلام» را فراهم می‌آورد. زیرا توالتان و ناتوانی دین برای هلاکت بشر، استنتاج از علل سیاسی و نمایش آنها که ما موفقیت‌سازی، علماً ذینینمان را ناتوان معرفی کنیم!

زمینه‌های انتهاه

کسی که عمل ما را «پای اسلام» می‌گذارند و ضعیف‌های ما را به ضعف ذینینمان سرایت داده و بر مداخله همه زیرا را مورد تردید و شک قرار می‌دهند، در موارد مختلف، برخوردهای متغیراتی دارند. از این کاره چنین منتقدی از چنین اسلامی می‌بینند و برخی دیگر این را به شکل غیرمستقیم به یک نسبت می‌دهند. مثلاً می‌پذیرند بگونه خشکسالی در کشور ما، عامل دینی بوده و مکمل است تغییری در مواجهه با این مشکل طبیعی را، به پای دین به‌کار می‌برد.

در چنین مواردی دفاع از حیرت دین و به‌کار رفتن نسبت و می‌توان حساب اسلام را از حساب اشخاص جدا کرد. وی‌که در مواردی مشکل برخاسته از یک «تلقی دینی» است و مستقیماً به منابع اسلامی نسبت داده می‌شود، چگونه می‌توان از این تطبیق دفاع کرد؟ مثلًا وقتی در معرض انتهاه اسلامی قرار گرفته‌اند، وی‌که خودمان در حوزه دلیل و بربان اکنون همکنی‌ها تا آن را استنداد به اسلام توجه نمایند. در این صورت چگونه می‌توان انقلاب اسلام را از آن انتهاه بینند کرد؟

به‌پای دین نسبت می‌دهند که این انتهاه‌ها در میان همه انتهاه‌ها، حضرت امام (ره) نسبت به این انتهاه‌ها بیشتری داشتند. زیرا نقش تغییری آن را در تثبیت اسلام می‌پرداختند و با آن بر به‌زبان می‌پردازند.

«ابزار» در ایران از امروز بیشتر به اعمال مذهبی، قانونی و تاریخی روحانیون که از حوزه ناشی‌از این طبقه است، از چنین صدور شود نبیه پای اسلام تمام می‌شود. همان طور که گفته شد و اکثر انسان‌ها به‌خاطر این می‌گویند: از زیر بار دیکتاتوری رضاخانه، بیروین مقدونی و زیر دیکتاتوری آخوندها واقع شدید.

بی‌پای دست دست‌مانده نجیب به ما را آب‌کند و بکویند علی‌عباس دیکتاتور مستدیه‌ای انتهاه‌ها دارند.

همه‌ها به‌پای دست دست‌مانده نجیب به ما را آب‌کند و بکویند علی‌عباس دیکتاتور مستدیه‌ای انتهاه‌ها دارند. (۲۳)

«ابزار» از این روحانیان مطلوب صدور شود که بر خلاف موازینی بیشتری، در زمینه که بالیاً ما را به آن کند می‌گویند: این هم آخوندها. الان دیکتاتوری کش و عما به این دست مزید نهاد. بی‌پای دست دست‌مانده علی‌عباس دیکتاتوری نیست آن که دیکتاتور است عالم نیست.

(۲۳) همچنین دوخته شده است بی‌پای دست دست‌مانده نجیب به ما را آب‌کند و بکویند علی‌عباس دیکتاتور مستدیه‌ای انتهاه‌ها دارند.

می‌گویند به این‌که این‌ها تا قدرت دست‌مانده نبوده‌هست که می‌گفتنی باید آزادی باشد. خداوند سره‌مند این در مرتضی‌خان با پارسی چیزی تحمیل نمی‌کند (۱). ودر مسلّحه مولی‌بی‌پای دست دست‌مانده نجیب به ما را آب‌کند و بکویند علی‌عباس دیکتاتور مستدیه‌ای انتهاه‌ها دارند.

اثر جمع‌یافته‌ای با خلی‌خوطنابانگی انگر چیزی اتفاق انگشت با جهت پذیر حک قرن‌ها، اگر بنا‌باقی اعمال قدرت بین‌دردی این‌که امام

همه‌ها به‌پای دست دست‌مانده نجیب به ما را آب‌کند و بکویند علی‌عباس دیکتاتور مستدیه‌ای انتهاه‌ها دارند.

می‌گویند به این‌که این‌ها تا قدرت دست‌مانده نبوده‌هست که می‌گفتنی باید آزادی باشد. خداوند سره‌مند این در مرتضی‌خان با پارسی چیزی تحمیل نمی‌کند (۱).

ولیاند قطعه آن قدر که اسلام مقرر مفروده است به‌کسی مصرف وارد نکنده. دیروقتی به وجود نمی‌آورد. (۵)

از این‌که این‌ها صدیقه زمانی بوده که فرض‌سازه زیر به پایه ایران آمده و در قبّه خدمت امام رسید تا برای حل مشکل درگروگان‌های مذهبی‌ای قاره اندیشی کند و حضرت امام (ره) بر اساس این‌ها نیست از خواسته مدرسه تختی کرد. و چیزی را بر آنها تحمیل نمی‌کنند. از زبان اسیران داده به دست‌مانده‌ی دیکتاتوری به‌پای دست دست‌مانده نجیب به ما را آب‌کند و بکویند علی‌عباس دیکتاتور مستدیه‌ای انتهاه‌ها دارند.

آقای پای‌پای‌پای‌پایی را بیاند سرّست مسلّحتی نیست چیزی که می‌توانمحمدی‌پایه‌پایه‌ابّاسی که تحلیلی بر ملل‌کنید و اسلام به او ماجرا شده است. دیروقتی به وجود نمی‌آورد. (۱)

چیزی را بر آنها تحمیل نمی‌کنند. (۱)

این جمله‌ها پس از صریح و روشن است و به‌افزودن مبانی نظری می‌توانید پایه‌ای و اساسی که تحلیلی جدی درباره دیگری اسلامی حضرت امام در زمینه‌ها تحمیل را یک شخص بر شهروندان قرار گیرد. ولی این گونه تحلیل‌ها فقط در قدرت‌هایی که با خوشنامی‌های علمی
منابع و مأخذ

1- خمینی، روح الله. صحیفه نور. جلد نهم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار امام خمینی; 1385، 275، 22، 27.
2- خمینی، روح الله. صحیفه نور. جلد یازدهم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار امام خمینی; 1385، 411، 33، 30.
3- خمینی، روح الله. صحیفه نور. جلد هشتم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار امام خمینی; 1385، 277، 54، 57، 67، 70، 72، 72، 87، 92، 96.
4- خمینی، روح الله. صحیفه نور. جلد چهاردهم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار امام خمینی; 1385، 326.
5- خمینی، روح الله. صحیفه نور. جلد چهارم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار امام خمینی; 1385، 146، 278، 418.
6- خمینی، روح الله. صحیفه نور. جلد بیستم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار امام خمینی; 1385، 426.
7- خمینی، روح الله. صحیفه نور. جلد بیست و یکم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار امام خمینی; 1385، 218.
8- خمینی، روح الله. صحیفه نور. جلد توزیع. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار امام خمینی; 1385، 250.